



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان فعلاً در این است که در روایاتی که در ابواب مختلف فقه داریم کلماتی مثل والی و حاکم و سلطان و امام ذکر شده و گفته شده که اینها شرعاً دارای قدرت و اختیار هستند تا اینکه احکام و قوانین الهی را اجراء کنند و از طرفی این قبیل مطالب مربوط به تمام زمان ها و دوران ها می باشد و مسلماً همیشه پیغمبر و امام در بین مردم نیستند فلذا استفاده از این قبیل اخبار که بافت فقهی و روایتی ما برای حاکم و فقیه عادل ولایتی قائل است که در صورت عدم حضور پیغمبر و امام معصوم درای اختیاراتی است و اجراء قوانین و مقررات الهی نیز به عهده او می باشد و بحث ما نیز در ولایت فقیه است.

فعلاً بحث ما در روایات حدود و قضاء می باشد، صاحب وسائل در جلد ۱۸ و مسائل ۲۰ جلدی دو خیر مرتبط با بحث ما ذکر کرده:

خبر اول: ﴿محمد بن یعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لما ولي أمير المؤمنين عليه السلام شريحا القضاء اشترط عليه أن لا ينفذ القضاء حتى يعرضه عليه﴾<sup>۱</sup>.

خبر دوم: ﴿وعن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن عيسى، عن أبي عبد الله المؤمن، عن ابن مسكان، عن سليمان بن خالد، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: اتقوا الحكومة فان الحكومة إنما هي للإمام العالم بالقضاء العادل في المسلمين لني (کني) أو وصي نبي﴾<sup>۲</sup>.

اگر این دو خبر را اینطور معنی کنیم که مراد از وصی نبی امام معصوم است در زمان غیبت امام معصوم قضاوت چطور خواهد شد؟ علامه مجلسی در مرآة العقول جلد ۴ صفحه ۲۳۱ فرموده این حصر اضافی است و حصر حقیقی نیست زیرا ائمه

علیهم السلام به بنی عباس نظر داشته اند و در برابر آنها فرموده اند باید امام معصوم که ما هستیم قضاوت کند و در واقع این به نفی سلاطین بنی عباس و طرفداران آنها نظر دارد و از طرفی وصی نبی فقط امام معصوم نیست بلکه امام معصوم و کسانی که از طرف امامان معصوم نیابت دارند و به آنها اختیار داده شده است نیز وصی نبی می باشند البته ایشان فقط حدیث را معنی کرده و دیگر درباره اینکه فقهاء در زمان غیبت چه نقشی می توانند داشته باشند چیزی فرموده ولی ما عرض می کنیم که حدیث مذکور از قضاوت و ولایت و حکومت فقهاء در زمان غیبت نفی نمی کند.

صاحب وسائل در این رابطه فرموده: «محمد بن محمد بن النعمان المفید فی (المقنعة) قال: فأما إقامة الحدود فهو إلى سلطان الإسلام المنصوب من قبل الله، وهم أئمة الهدى من آل محمد عليهم السلام ومن نصبوه لذلك من الأمراء والحكام، وقد فوضوا النظر فيه إلى فقهاء شيعتهم مع الامكان. أقول: وتقدم ما يدل على ذلك في القضاء»<sup>۳</sup>.

خلاصه اگر مثل مرآة العقول بگوئیم مراد ائمه علیهم السلام هستند باید به سراغ دلیل دیگری برویم تا اینکه ثابت کنیم ائمه علیهم السلام در زمان غیبت به فقهاء ارجاع داده اند اما اگر وصی نبی را عام بگیریم همان دو خبر شامل فقهاء نیز می شوند و دلالت دارند بر اینکه فقیه حق قضاوت و حکومت دارد.

خوب و اما دو خبر دیگر در همین جلد ۱۸ در مورد اقامه حدود إلى من إليه الحكم داریم و ما نیز گفتیم که قاضی قضاوت می کند لذا اقامه حدود نیز از شئون او می باشد و کسی که اقامه حدود و قضاوت می کند باید فقیه عادل باشد.

خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن سليمان بن داود المنقري، عن حفص بن غياث قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام من يقيم الحدود؟ السلطان؟ أو القاضي؟ فقال: إقامة الحدود إلى من إليه الحكم﴾<sup>۴</sup>.

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۳۸، ابواب شهادات، باب ۲۸، حدیث ۲، ط الإسلامية.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۳۸، ابواب شهادات، باب ۲۸، حدیث ۱، ط الإسلامية.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۶، ابواب صفات قاضی، باب ۳، حدیث ۱، ط الإسلامية.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۷، ابواب صفات قاضی، باب ۳، حدیث ۳، ط الإسلامية.

حدیث بسیار جامع و کامل می باشد و معلوم می شود که این امور مخصوص امام معصوم نیست زیرا اطباء و علماء و اکرایاء همیشه و در همه زمان ها وجود دارند فلذا مراد از امام فقط امام معصوم نیست بلکه مراد کسی است که جامعه را اداره می کند و آن جز فقیه عادل نمی تواند باشد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

خبر دوم: ﴿وباسناده عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن علي عليه السلام قال: يجب على الامام أن يحبس الفساق من العلماء، والجهال من الأطباء، والمفاليس (أى من زال فلوسه) من الأكریاء. قال: وقال عليه السلام: حبس الامام بعد الحد ظلم﴾<sup>۵</sup>.

علماء دو دسته هستند فساق من العلماء کسانی هستند که وجودشان منشأ فساد است زیرا مردم علماء را الگوی خودشان قرار می دهند و اگر ببینند آلوده و فاسدند خیلی خطرناک هستند و در روایاتمان نیز ذکر شده که اگر علماء خوب باشند از همه اقشار بهتر و تأثیر گذارترند و اگر فاسد باشند شر آنها از همه بیشتر است، حالا این حکومت و حاکم اسلامی است که باید علماء را تربیت و شناسایی کند و فساق را از غیر فساق جدا کند، امام رضوان الله علیه فرمودند فرمان قتل شیخ فضل الله نوری را شیخ ابراهیم زنجانی صادر کرد! یعنی یک عالم تا این حد می تواند فاسد و سر سپرده ی مستکبران و استعمارگران غرب و شرق باشد خب این قبیل علماء را حاکم اسلامی باید کنترل کند.

مفالیس جمع مفلس است و من نظیر این جمع را پیدا نکردم زیرا نوعاً اینطور جمع ها در مورد مفعول بکار می روند مثلاً مشاهیر جمع مشهور است و یا معاریف جمع معروف است اما اینکه مفاعیل جمع مُفَعِّل باشد خیلی کم است البته جمع البحرین این حدیث را اینطور معنی کرده که جمع مفلس می شود مفالیس، و اما در مورد اکرایاء باید عرض کنیم که سابقاً حمل و نقل در دست افرادی بوده که شتر و یا اسب و امثال ذلک داشتند و آنها را کرایه می دادند و این یک تجارت خیلی مهمی بود اما افراد نابابی بودند که شتر و یا اسب از آنها کرایه می کردند و بعداً که پس می آوردند می گفتند کرایه آنها را نداریم که بدهیم و خلاصه برای اکرایاء درد سر و مشکل بوجود می آوردند فلذا امام و حاکم اسلامی باید مفالیس الأکرایاء را نیز بگیرد و زندانی کند تا برای دیگران از نظر اقتصادی در دسر و مشکل ایجاد نکنند.

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۲۲۱، ابواب کیفیة الحكم، باب ۳۲، حدیث ۳، ط الإسلامیة.